

تحلیل و بررسی نبوت پیامبر اکرم ﷺ پیش از بعثت

عبدالهادی فقهی‌زاده*

زهره حیدری**

چکیده

چگونگی زندگانی پیامبر اکرم ﷺ پیش از بعثت، از زمینه‌های مورد توجه از دیدگاه تاریخی کلامی و روایی است. دقت نظر در شواهد مبنی بر آگاهی‌های غیبی پیامبر اکرم ﷺ در این دوران، و روند زندگی اعتقادی ایشان، و کاوش در تفاوت‌های طرح‌شده میان دو مفهوم نبوت و رسالت، می‌تواند مؤیدی بر این دیدگاه باشد که پیامبر اکرم ﷺ در دوران قبل از بعثت از مراتبی از نبوت برخوردار بود. استخراج دیدگاهی جامع درباره تفاوت میان دو مقام نبوت و رسالت و ارائه تعریف صحیحی از نبوت به‌عنوان مبنای پژوهش، نخستین گام در جهت بررسی فرضیه مقاله حاضر به‌شمار می‌رود. گام بعدی استخراج شواهدی است که بر این آگاهی‌های غیبی و روابط با ملک دلالت می‌کند. کندوکاو در سیره پیامبر اکرم ﷺ و بررسی احتمالات گوناگون درباره شریعت ایشان، حاکی از آن است که در دوران پیش از بعثت، آئین خود را از طریق ارتباط با عالم غیب دریافت می‌کرده است.

واژگان کلیدی

پیامبر اکرم ﷺ، نبوت، رسالت، شرایع آسمانی، هم‌زمانی.

طرح مسئله

بررسی زندگی پیامبر اکرم ﷺ به‌عنوان خاتم پیامبران، در دوران پس از بعثت، همواره مورد توجه مسلمانان بوده است. اما وضعیت اعتقادی و عملی ایشان در دوران پیش از بعثت نیز از مسائل مهمی است که به‌دلیل مترتب شدن

drfeghhizade@gmail.com

heidari86@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۱۷

*. دانشیار دانشگاه تهران.

** دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قم.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۲۲

آثاری که در شناخت حضرت دارد، باید مورد بررسی دقیق‌تری قرار گیرد. از جمله اموری که عدم شناخت دقیق زندگی پیامبر اکرم ﷺ در دوران پیش از بعثت بدان منجر شده است، نسبت دادن اموری مانند غافل‌گیری ایشان در هنگام دریافت وحی رسالی است (بخاری، ۱۴۰۱: ۱ / ۷) اما اینکه آیا پیامبر اکرم ﷺ دوران پیش از بعثت را در حالی گذراند که هیچ‌گونه آشنایی با عالم غیب نداشته و یا به عبارتی بدون پیروی از شریعتی الهی زندگی می‌کرده است یا اینکه پیرو شرایع آسمانی مرسوم بوده و یا خود با عالم غیب ارتباط داشته است مسئله‌ای است که آراء مختلفی در مورد آن مطرح است. بررسی این آراء و همچنین کنکاش در تفاوت نبوت و رسالت برای روشن شدن چهره الهی ایشان، در برهه پیش از بعثت و پاسخ به شبهات پیرامون این دوران، کار گشاست.

وضعیت اعتقادی و عملی پیامبر اکرم ﷺ پیش از بعثت

الف) توحید

همه فرق اسلامی به جز عده قلیلی، معتقد به موحد بودن پیامبر اکرم ﷺ در دوران پیش از بعثت خود هستند. این مطلب از مسلمانی است که دلایل کلامی و روایی متقنی آن را تأیید می‌کند. (یوسفیان و شریفی، ۱۳۸۸: ۱۵۴؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۳۸) به اجمال به برخی از دلایل موحد بودن ایشان پیش از بعثت اشاره می‌کنیم:

- برای اثبات عدم شرک پیامبران در همه ادوار زندگی ایشان به آیه «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد!»^۱ استناد شده است. برای استدلال به این آیه، باید آن را در کنار آیه «به‌خاطر بی‌اور) هنگامی را که لقمان به فرزندش - درحالی که او را موعظه می‌کرد - گفت: «پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است.»^۲ معنا کرد. در این آیه، شرک به‌عنوان ظلم عظیم معرفی شده است. بدین ترتیب طبق استدلال منطقی، عهد خداوند به مشرک نمی‌رسد. در اینجا فهم دو مطلب دارای اهمیت است:

اول اینکه منظور از عهد خداوند چیست؟

آنچه که با توجه به سیاق آیه، از معنای عهد به ذهن متبادر می‌شود، امامت است؛ اما برخی نیز عهد را اعم از امامت و رسالت می‌دانند. زیرا یکی از معانی عهد همان منصب می‌باشد، و این مطلب مخالفتی با سیاق ندارد، چون می‌توان در پاسخ موردی خاص، مطلبی عام و کلی را بیان کرد. (یوسفیان و شریفی، ۱۳۸۸: ۱۵۴) اما آنچه که می‌توان در اینجا گفت این است که حتی اگر معنای عهد را اعم از رسالت و امامت ندانسته، و فقط معنای امامت برای آن در نظر گرفته شود، باز هم می‌توان از این آیه، برای اثبات عدم شرک حضرت ﷺ قبل از بعثت استفاده کرد. زیرا مسلماً پیامبر اکرم ﷺ پس از مبعوث شدن به پیامبری، علاوه بر نبوت و رسالت، دارای مقام امامت نیز بودند و با توجه به این آیه، اگر قبل از بعثت، گرفتار معصیت اعتقادی

۱. لا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ. (بقره / ۱۲۴)

۲. وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ. (لقمان / ۱۳)

بودند، هرگز پس از مبعوث شدن به این مقامات دست نمی‌یافتند.

دومین مطلبی که باید در نظر گرفته شود آن است که آیا اگر کسی در برهه‌ای از زندگی گذشته خود، مشرک بوده و متصف به صفت ظلم باشد، حال نیز عنوان ظالم شامل او می‌شود تا دیگر عهد خداوند، که مقام رسالت یا امامت است، برعهده او گذارده نشود؟ برای پاسخ به این سؤال باید نگاهی به کلمه «ظالم» انداخت. برای بررسی این مسئله، از بحث اصولی مشتق استفاده می‌کنیم، زیرا ظالم از دیدگاه اصولی مشتق محسوب می‌شود. (الوسی، ۱۴۱۵: ۱ / ۳۷۶) دو دیدگاه اصولی در این مسئله وجود دارد:

۱. کسی که قبلاً متصف به ظلم بوده، اکنون نیز عنوان ظالم بر او صادق است.
۲. کسی که قبلاً متصف به ظلم بوده، فقط در صورتی الان نیز به او ظالم اطلاق می‌شود که قرینه‌ای بر استعمال مجازی ظلم وجود داشته باشد، وگرنه استعمال حقیقی، فقط شامل کسی می‌شود که الان، واجد این صفت باشد.

دیدگاه اول مربوط به اصولیون اعمی و دیدگاه دوم مربوط به اصولیون اخصی است. طبق معنای اعمی، اثبات عصمت از شرک، پیش از بعثت میسر است. زیرا کسی که پیش از بعثت، متصف به صفت ظلم بوده است، در زمان بعثت نیز بدان متصف است؛ پس نمی‌تواند بار عهد الهی را به دوش گیرد. ضمن اینکه در این آیه، ظالم قرینه‌ای بر استعمال بر سبیل مجاز ندارد. مطابق مبنای اخصی‌ها نمی‌توان گفت کسی که قبل از بعثت ظالم بوده، عهد که همان رسالت یا امامت باشد، به او نمی‌رسد. به عبارت دیگر عصمت او از شرک پیش از بعثت ثابت نمی‌شود. اما در این آیه قرینه‌ای وجود دارد که می‌توان اتصاف به صفت ظلم را به حال نیز سیلان داد و آن قرینه تناسب حکم و موضوع است. معنا آن است که گاه موضوع، خصوصیتی دارد که به حکم خاصی نیاز دارد. در موضوع رسالت و امامت، اهمیتی بسیار نهفته و پیامدهایی بر آن مترتب است و این پیامدها قرینه است برای اثبات آنکه کسی که یک‌بار هم در عمر خویش، مرتکب ظلم شده باشد، لایق دریافت این مناصب نباشد. (یوسفیان و شریفی، ۱۳۸۸: ۱۵۶)

– اگر پیامبر ﷺ در عمر خویش اندک تمایلی به پرستش بت‌ها از خود نشان داده بود، بهانه‌ای به دست مشرکان می‌افتاد، تا به واسطه آن علاوه بر سرزنش پیامبر ﷺ، عمل خود را در پرستش بت‌ها توجیه نمایند. با آنکه کفار هرگونه نسبت ناروایی به پیامبر می‌دادند و حتی ایشان را ساحر و مجنون می‌خواندند، اما در عین حال هیچ‌گاه شنیده نشد که به او نسبت بت‌پرستی بدهند. کسانی بهانه‌گیری کرده، می‌گفتند: «آیا ما را از پرستش آنچه پدرانمان می‌پرستیدند، باز می‌داری؟» اگر می‌توانستند این را نیز می‌افزودند: «آیا ما را از آنچه پیش از این، خود نیز پرستش می‌کردی، نهی می‌کنی؟» اما هرگز مخالفان، ایشان را به این پیشینه بد و زشت متهم نکرده‌اند. (عاملی، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۶۹؛ جعفریان، ۱۳۷۸: ۱۸ / ۲۰۹)

– امام علی علیه السلام در مناظره با شخص یهودی می‌فرماید: «محمد صلی الله علیه و آله اوتي الحكم والفهم صبياً بين عبدة الأوثان و حزب الشيطان و لم يرغب لهم في صنم قط؛ (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰ / ۴۴) «به محمد صلی الله علیه و آله در سن کودکی و در بین بت‌پرستان و حزب شیطان، حکم الهی و فهم و آگاهی داده شد و هرگز گرایشی به بت‌ها در او پدید نیامد».

- تحت پیامبر اکرم ﷺ در غار حرا امری مشهور است. علامه شعرانی در این زمینه می‌نویسد:

پیامبر ﷺ اگر خدا را نمی‌شناخت و ایمان نیاورده بود، برای چه عبادت می‌کرد و اگر عبادت بت می‌خواست، بتان در کعبه بودند، نه در غار حرا؛ و سنت الهی در همه فنون و علوم آن است که اصل و مبدأ آن، از آغاز خلقت کودک در وی نهاده است و به تدریج رشد و نمود می‌کند، هر چند ما بر حقیقت نبوت اطلاع و احاطه نداریم و حالات روحانی که بر اولیای خدا عارض می‌شود، نمی‌دانیم؛ اما یقین داریم که نبوت نیز محال است بر مردی جاهل و بی‌استعداد مثل ابوجهل نازل گردد. (شعرانی، ۱۳۵۹: ۱۷)

ب) تبعیت از شریعت

در زمینه وضعیت اعتقادی و عملی پیامبر اکرم ﷺ پیش از بعثت، دانشمندان اسلامی دیدگاه‌هایی را مطرح کرده‌اند که اهم آنها را در سه دسته می‌توان بررسی کرد.

یک. پیروی از شریعت انبیای گذشته

عده‌ای از دانشمندان اسلامی بر این باورند که پیامبر اکرم ﷺ قبل از بعثت، متعبد به شرایع انبیای گذشته بوده است. از جمله این شرایع به شریعت‌های نوح ﷺ، ابراهیم ﷺ، موسی ﷺ و عیسی ﷺ اشاره شده است. اهم استدلال معتقدان به این دیدگاه، نقل‌هایی است که در تاریخ در مورد عبادات پیامبر اکرم ﷺ در این دوران وارد شده است که از نظر آنان، نزدیک به متواتر به‌شمار می‌روند. آنان معتقدند که اعمال عبادی از اموری است که جز از طریق تبعیت از شریعتی خاص بر انسان مکشوف نمی‌شوند و از قبیل مستقلات عقلی نیستند که بتوان آنها را به‌تنهایی کشف کرد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۸ / ۲۷۲) برای روشن‌تر شدن مطلب در ادامه به بررسی احتمالات گوناگون در این زمینه می‌پردازیم.

۱. پیروی از آئین ابراهیم ﷺ

آیا آئین ابراهیم ﷺ در خانواده پیامبر اکرم ﷺ از جایگاه درخور توجهی برخوردار بوده است یا خیر؟ نقل‌های تاریخی حکایت از این دارد که این آئین در بستر تربیتی پیامبر اکرم ﷺ از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است.^۱ طبق نقل‌های مشهور تاریخی، پیامبر اکرم ﷺ در اوان کودکی والدین خویش را از دست داد و تحت تکفل جد و عموی خود عبدالمطلب و ابوطالب قرار گرفت. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۵ / ۳۸۲) به‌خصوص آنکه به گواهی نقل‌های مسلم تاریخ، عبدالمطلب موحد، بلکه احیاگر سنن ابراهیمی بوده است.^۲ پس از وفات جد پیامبر اکرم ﷺ

۱. در نسب پیامبر اکرم ﷺ نام شخصی به‌نام عدنان دیده می‌شود که جد بیستم پیامبر ﷺ از نسل اسماعیل ﷺ و جد اعلای عرب عدنانی عرب مکه است (طبرسی، ۱۳۹۰: ۱ / ۴۴) در میان کتب تاریخی نقل‌هایی موجود است که به نفوذ دین ابراهیم ﷺ در میان قریشیان دلالت دارد.

۲. در مورد آئین عبدالمطلب روایتی نقل شده است که بسیار شایان توجه است. پیامبر اکرم ﷺ به علی ﷺ فرمود:

کفالت ایشان به عموی ایشان - ابوطالب - انتقال یافت (عسقلانی، ۱۴۱۵: ۷ / ۱۹۶) پس، او نیز می‌تواند یکی از افراد مؤثر در شکل‌گیری عقاید پیامبر اکرم ﷺ باشد. دلایل و شواهد فراوانی بر ایمان ابوطالب وجود دارد که جای تردید در آن نیست.^۱ بنابراین، با توجه به شواهد موجود، حضور آئین ابراهیم ﷺ در بستر تربیتی پیامبر اکرم ﷺ نمود چشمگیری داشته است. باین‌همه، شاید احتمال پیروی مقلدانه حضرت از این آئین قابل طرح باشد؛ یعنی احتمال این وجود دارد که پیامبر ﷺ به‌صورت تقلیدی از آئین پدرانیش تبعیت کرده باشد، حال آنکه شواهد تاریخی و روایی در بحث نبوت پیامبر اکرم ﷺ پیش از بعثت طرح خواهد شد، نشان می‌دهد که عملکرد پیامبر اکرم ﷺ در این دوران چیزی فراتر از تعبد مقلدانه به آئین خانواده خود است.

۲. آئین یهود و مسیحیت

دلایلی موجود است که نشان می‌دهد پیامبر اکرم ﷺ از این ادیان پیروی نکرده که مهم‌ترین آنها عبارتند از: - مرکز یهود پیش از اسلام در یثرب بوده است. سکوت آیات مکی در مورد یهود (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۴: ۲۰۶) و همچنین روایات تاریخی مبنی بر روانه شدن عده‌ای از مشرکان به سمت یثرب برای نظرخواهی از علمای یهود درباره دین اسلام گواه بر این مطلب است. (ابن‌هشام، بی‌تا: ۱ / ۳۰۰)

- اگر پیامبر بر شریعت قومی معتقد بود، آن قوم به آن افتخار می‌کردند و آن حضرت آن را به خود نسبت می‌دادند، و این کار شهرت می‌یافت. (رازی، ۱۴۱۲: ۳ / ۷۶)

- اگر پیامبر در شریعت قومی بود، آن قوم به آن افتخار می‌کردند و آن حضرت را به خود نسبت می‌دادند و این کار شهرت می‌یافت. (همو)

- در مورد مسیحیان نیز باید گفت که آنان پیش از اسلام نفوذ چندانی در حجاز نداشته و به‌خاطر مبانی عقیدتی‌شان عزلت و رهبانیت را در خارج از شهر برگزیده بودند. (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۴: ۲۰۸)

- آئین مسیحیت آئینی بود که به گواهی خود قرآن تحریف شده بود و اعتقاد به تثلیث در میان آنها وجود داشت.^۲ چطور ممکن است کسی که قرار است کامل پیامبران شود، از آئینی شرک‌آلود پیروی کرده باشد.

دسته دیگری از علما معتقدند که اگر پیامبر اکرم ﷺ از شرایع گذشته پیروی کرده باشد، درحقیقت تبعیت و

عبدالمطلب در جاهلیت پنج سنت را زنده کرد که خداوند آن سنت‌ها را بعد از اسلام نیز جاری کرد، ازدواج با همسر پسر را برای پدر حرام کرد. گنجی را یافت و خمس آن را از آن جدا کرده و صدقه داد، زمزم را حفر کرد، آن را برای آب دادن به حاجیان به‌صورت رایگان قرار داد. دیه قتل را صد شتر قرار داد و طواف را که در دوران جاهلیت عدد خاصی نداشت، محدود به هفت دور کرد. عبدالمطلب هیچ‌گاه با تیرهای قمار، گوشت قربانی را تقسیم نکرد، بتی را نپرستید و از قربانی برای بت‌ها نخورد و می‌گفت که من پایبند به دین ابراهیم ﷺ هستم (صدوق، ۱۳۵۷: ۴ / ۳۶۵) ایشان در برخی حوادث تاریخی نیز عقاید ناب توحیدی خود را آشکار کرده است که از آن جمله می‌توان به جریان حمله ابرهه به مکه و عکس‌العمل عبدالمطلب در برابر او اشاره کرد. (ابن‌هشام، بی‌تا: ۱ / ۵۰)

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: سبحانی، بی‌تا: ۵ / ۱۴۳.

۲. نساء / ۱۷۱؛ مائده / ۷۳.

اقتدا به صاحبان آن شریعت کرده و این تبعیت فاضل از مفضول و قبیح است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۸ / ۲۷۹) برتری پیامبر ﷺ از سایر پیامبران، از مسلمات دین اسلام است. البته اگر بر پیروی پیامبر اکرم ﷺ از انبیای پیشین دلیلی وجود داشته باشد، منافاتی با این مطلب ندارد؛ زیرا پیامبر ﷺ پایبند دستورات الهی که بر پیامبران پیشین نازل شده است، بودند و این امر ملازمی با پیروی ایشان از انبیای گذشته ندارد.

دو. عدم تبعیت از شریعت‌های گذشته

این دیدگاه به جمهور معتزله از جمله قاضی ابوبکر، قاضی عیاض و ... نسبت داده شده است. اینان پیروی از شریعت را فقط در محدوده تبعیت از شرایع انبیای گذشته بررسی کرده‌اند و دلایلی را در رد آن مانند عدم نقل رفت‌وآمد پیامبر ﷺ با اهل ادیان پیشین می‌آورند. بر این دیدگاه دو اشکال عمده وارد است:

- معتقدین به این دیدگاه دچار مغالطه طرد شقوق دیگر شده‌اند؛ زیرا فقط نفی پیروی پیامبر ﷺ از شریعت دیگر انبیا را در نظر داشته، و درباره اینکه ممکن است ایشان پایبند به شریعت خود، در دوران پیش از بعثت باشد را نادیده انگاشته‌اند. (تنها، ۱۳۸۹: ۴۴)

- تعبد نداشتن به شریعت باعث شکل‌گیری نقض برای پیامبر اکرم ﷺ و پایین آمدن مقام ایشان از تمام مردم می‌شود، (قمی، ۱۳۷۸: ۴۹۴) زیرا عامه مردم بالاخره متشرع به شریعتی هستند چگونه ممکن است پیامبر اکرم ﷺ که افضل همه مردم است، دورانی از زندگی خود را بدون پایبندی به شریعتی گذرانده باشد. (تنها، ۱۳۸۹: ۴۴)

سه. نظریه توقف

برخی دیگر از علما به دلیل عدم ترجیح ادله دو گروه مذکور، قائل به توقف در اظهار نظر درباره شریعت پیامبر اکرم ﷺ پیش از بعثت شده‌اند. از میان اهل سنت، غزالی و قاضی عبدالجبار و در میان شیعه، سید مرتضی چهره‌های شاخص این رأی به شمار می‌روند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۸ / ۲۷۲) سید مرتضی معتقد است که بر مصلحت بودن پیروی پیامبر اکرم ﷺ از ادیان گذشته از جانب خداوند دلیلی موجود نیست؛ چنان‌که دلیلی بر خلاف آن هم وجود ندارد، و از این رو چون هیچ‌یک از دو طرف، دلیل قطعی در دست ندارند، باید توقف کرد. (علم‌الهدی، بی تا: ۲ / ۳۶۵)

ج) نبوت پیامبر اکرم ﷺ پیش از بعثت

گروهی از چهره‌های برجسته علمای شیعه، دیدگاه متفاوتی را در این زمینه ارائه داده‌اند. آنان معتقدند که پیامبر اکرم ﷺ پیش از بعثت، نبی بوده است. علامه مجلسی دلایل عقلی و روایات معتبری را پشتوانه این نظر می‌دانند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۸ / ۲۷۸) شیخ طوسی نیز از کسانی است که چنین دیدگاهی دارد. او در کتاب *عدة الاصول* می‌آورد:

پیامبر اکرم ﷺ متعبد به شریعتی قبل از خود نبوده و آنچه بدان متعبد بوده است شریعت خود ایشان است. اصحاب ما می‌گویند که به حضرت قبل از بعثت، چیزهایی وحی می‌شده که مختص به خودشان بوده، پس به وحی عمل می‌کرده و از شریعتی پیروی نمی‌کرده است. (طوسی، ۱۴۱۴: ۳ / ۶۰)

میرزای قمی در کتاب *قوانین الاصول* به این مطلب که پیامبر اکرم ﷺ پیش از بعثت دارای مقام نبوت بود، اشاره دارد؛ او می‌نویسد: دو احتمال برای دریافت شریعت پیش از بعثت برای پیامبر اکرم ﷺ وجود داشته است. ۱. پیامبر اکرم ﷺ از طریق نشست و برخاست با اهل کتاب یا خواندن کتب آنها با دینشان آشنا شده و از شریعت آنها پیروی کند که این سخن مردودی است.

۲. شریعتی به ایشان وحی می‌شده که شبیه شرایع گذشته بوده است. در عین حال این سخن معنای متابعت از شریعت غیر را نمی‌دهد و به معنای دریافت شریعتی جداگانه است. (قمی، ۱۳۷۸: ۴۹۴)

ایشان سپس از دلیل افضلیت پیامبر اکرم ﷺ بر سایر رسل استفاده می‌کند که اعتقاد به نبوت عیسی ﷺ و یحیی ﷺ در کودکی، و عدم اعتقاد به نبوت پیامبر اکرم ﷺ قبل از بعثت، به مسئله افضلیت حضرت ﷺ نقص وارد می‌کند. (همان) فتال نیشابوری به اجماع شیعه در این زمینه قائل شده و در کتاب *روضه الواعظین* چنین می‌گوید:

طایفه شیعه اجماع دارند که پیامبر اکرم ﷺ پیش از بعثت در خفا پیامبر بود؛ از اول تکلیف، روزه می‌گرفت، نماز می‌گزارد، عکس آن چیزی که در میان قوم او معمول بود. وقتی به سن چهل سالگی رسید، خداوند به جبرئیل امر کرد که بر پیامبر فرود آید و او را به‌طور آشکار، مأمور به ایفای نقش رسالت خود سازد. (فتال نیشابوری، بی‌تا: ۱ / ۵۲)

آیت‌الله سبحانی نیز در این زمینه با آوردن شواهدی معتقد است که حضرت، پیش از بعثت دارای مراتبی از نبوت بوده است. (سبحانی، بی‌تا: ۷ / ۳۶۵) چنان که جعفر مرتضی عاملی نیز به نبوت پیامبر در این دوران اشاره کرده و آن را امر بعیدی ندانسته است. اگرچه بحث در این زمینه را محتاج بررسی بیشتری می‌داند (عاملی، ۱۴۱۵: ۲ / ۱۹۷) علامه طباطبایی نیز در تفسیر آیه (شوری / ۵۲) مطلبی را می‌آورد که دلالت به تأیید دیدگاه مد نظر دارد. ایشان می‌نویسد: «مقصود از آیه، این است که پیامبر ﷺ دین اسلام را به تفصیل نمی‌دانست؛ پس منافاتی ندارد که حضرت به‌طور اجمال از دین اسلام آگاه بوده است.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۷۵) ایشان در مقام پاسخ به پرسشی در این زمینه، نبوت پیامبر اکرم ﷺ پیش از بعثت را تأیید می‌کند. (رخ‌شاد، ۱۳۸۹: ۵۲)

برای تبیین بیشتر این دیدگاه، ابتدا باید به تفاوت دو شأن نبوت و رسالت بپردازیم و سپس موضوع امکان برخوردارگی پیامبر اکرم ﷺ از مقام نبوت پیش از بعثت را توضیح دهیم:

مفهوم لغوی «نبوت» و «رسالت»

نبوت در لغت به معنای باخبری و در اصطلاح به معنای باخبری از عالم غیب است؛ چنان که رسالت به معنای ابلاغ کلام یا ادای وظیفه‌ای است که برعهده او گذاشته شده است.^۱

به‌هرحال مفسران و محققان دیدگاه‌های گوناگونی درباره تفاوت نبی و رسول ارائه کرده‌اند که آنها را می‌توان چنین تقسیم‌بندی کرد:

الف) برتری رسول بر نبی براساس جنبه‌های زیر:

۱. مسئولیت تبلیغ برای رسول (آلوسی، ۱۴۱۵: ۵ / ۷۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳ / ۹۲؛ قرآنی، ۱۳۸۳: ۵۸ / ۲۳۶)
۲. صاحب کتاب بودن رسول (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۱۶۵؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۳ / ۲۳۶)
۳. ارائه شریعتی جدید از سوی رسول (مراغی، بی‌تا: ۱۷ / ۱۲۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴ / ۷۵؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۳ / ۲۷۳)
۴. دارا بودن وظیفه‌ای زائد بر ابلاغ (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳ / ۵۱۷)
۵. گرفتن میثاق از انبیا برای رسل به استناد آیه (احزاب / ۷؛ همو)
۶. شیوه دریافت معارف: روایات مختلفی در کتب شیعه، درباره تفاوت نبی و رسول بیان شده^۲ که مبنای تفاوت را در شیوه دریافت معارف قرار داده‌اند. (سبحانی، ۱۴۱۲: ۳۶۰)
- ب) دسته دوم به برتری نبی بر رسول معتقدند. (شریعتی، ۱۳۴۹: ۹)
- ج) دسته سوم نبوت را پایه رسالت می‌دانند. (سبحانی، ۱۴۱۲: ۶ / ۳۵۵)

۱. برای کلمه نبی در کتب لغت دو ریشه نبأ و نبو در نظر گرفته شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸ / ۳۸۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۱۶۲) که اولی به معنای خبر مهم و دومی به معنای زمین مرتفع است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۱ / ۴۰۴) اگرچه اهل لغت میان ریشه نبأ و نبو برای نبی اختلاف نظر دارند، اما می‌توان دیدگاه هر دو را با هم جمع کرد. همان‌طور که راغب، جمع را ترجیح داده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱ / ۷۹۰) البته در نظر گرفتن ریشه نبأ برای نبی به صحت نزدیک‌تر به نظر می‌آید. اما می‌توان گفت باخبری از عالم غیب و داشتن رابطه وحیانی با خداوند و بالا بودن شأن نفسانی کسی که دارای نبوت است، با یکدیگر ملازم است.

ماده رسل به معنای برخاستن همراه با آرامش است (همان: ۳۵۲) و الرُّسُلُ به معنای جداشده از چیزی است. برخی معنای رسول را برانگیخته دانسته (همان) که همان معنای معروف است و برخی دیگر آورده‌اند که رسول در معنای کسی است که از اخباری که او را برانگیخته، متابعت کند و این معنا را از این استعمال عرب که می‌گوید معنای (جاءت الابل رسلا) پشت‌سر هم آمدن شترها است، دریافته‌اند. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۱ / ۲۸۱) با توجه به اقوال بیان‌شده و معنای مشتقات دیگری که هم‌خانواده رسول هستند، این کلمه را می‌توان در معنای کسی که برای ابلاغ کلام یا ادای وظیفه‌ای فرستاده شده است، دانست.

۲. روایاتی که تفاوتی میان منصب نبوت و رسالت قائل نشده و به‌صورت کلی آن دو را درجه‌بندی کرده‌اند (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۱۷۵؛ صدوق، ۱۳۵۷: ۸ / ۱۱۵)؛ روایاتی که نبوت را به تجلی خداوند بر نبی در بیداری اختصاص داده‌اند و به هیچ‌یک از مراتب در دریافت وحی اطلاق نکرده‌اند (همان)؛ روایاتی که نبوت را به وحی در خواب و رسالت را به دیدار ملک در بیداری اختصاص داده‌اند (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۱۷۷)؛ روایاتی که برای نبی دو شأن وحی در خواب و شنیدن صدای فرشته بدون دیدن او، و برای رسول این دو شأن را به‌علاوه دیدار ملک بیان کرده است (همان: ۱۷۶)؛ روایاتی که آورده‌اند: نبی، فرشته را می‌بیند ولی سخنش را هنگام دیدن نمی‌شود، به‌خلاف رسول که هم‌زمان، هم فرشته را می‌بیند و هم سخن او را می‌شنود (همان)؛ روایاتی که تعداد مرسلین را ۳۱۳ نفر و تعداد انبیا را بسیار بیشتر از مرسلین بیان کرده‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۴ / ۷۳)

بررسی این اقوال و روایات مطرح شده و استعمالات قرآنی دو کلمه نبی و رسول و مشتقات آنها، این نتایج را دربر دارد:

- اگر کلمه نبی و رسول را در نظر بگیریم، قوام معنای آن فی حد ذاته در باخبری و کلمه رسول در حمل خبر است و در استعمالات قرآنی به جوهر معنای این دو لفظ توجه شده است. در آیاتی که اشاره به مسئله تبلیغ شده است، کلمه رسول به کار برده شده است. در بسیاری از آیات رسول و رسالت، با مشتقات تبلیغ همراه شده است. اما نبوت در قرآن به عنوان هبه‌ای از جانب خداوند معرفی شده^۱ که جنبه فردی و فقط رابطه فرد و خداوند در آن آشکار است. زیرا باخبری و رابطه با عالم غیب لزوماً نباید با خبر دادن همراه باشد. مثلاً در آیاتی که مربوط به امور شخصی پیامبر ﷺ است، خطاب «یا ایها النبی» فراوان ملاحظه می‌شود^۲ همچنین در آیه (تحریم / ۳) متناسب با بُعد باخبری پیامبر اکرم ﷺ از غیب، از کلمه نبی استفاده شده است.

- نبوت پایه رسالت است، به عبارت دیگر تا کسی مقام نبوت را در نیابد، به رسالت دست نخواهد یافت. زیرا نبوت مقام باخبری است و کسی که خبری از عالم غیب ندارد، چگونه می‌تواند حامل پیامی به سوی غیر باشد.

- با توجه به آیه «وَاذْکُرْ فِي الْکِتَابِ اِسْمَاعِیلَ اِنَّهٗ کَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَکَانَ رَسُوْلًا نَّبِیًّا»^۳ رسول و نبی دو وصفاند که اگر در معنا با یکدیگر تفاوتی نداشته باشند، اشکال زائد بودن دو وصف مترادف پیش می‌آید، اما با توصیف برتری رسول بر نبی این اشکال برطرف می‌شود، (قدردان قراملکی ۱۳۸۷: ۸۸) با این سخن می‌توان گفت که رسول، پیامبری است که صاحب شریعت باشد و یا رتبه‌ای بالاتر از نبی داشته باشد تا بتواند حافظ شریعت و وحی و تجدد آن باشد. شیخ مفید نیز بر این قول تصریح دارد و آن را قول امامیه گزارش می‌کند. (مفید، ۱۴۱۴: ۴۵)

- آیاتی وجود دارد که به جنبه اجتماعی و ابلاغ امر، از سوی نبی اشاره دارد، مانند (بقره / ۲۱۳) که انبیا را مبشر و منذر معرفی می‌کند یا آیه (تحریم / ۹) که کلمه نبی را در جایی که سخن از جهاد در راه خداست، به کار برده است؛ این استعمال نشان‌دهنده این است که قرآن، در استفاده از این دو لفظ در همه آیات از یک مبنا پیروی نمی‌کند و ممکن است در آیات گوناگون، جنبه‌های مختلف تفاوت نبی و رسول را در نظر بگیرد، یا حتی در آیاتی تفاوت میان آنان را در نظر نداشته، توجه به هم‌پوشانی مصادیق نبی و رسول در بسیاری موارد داشته باشد. این‌گونه استعمال در روایات دیده می‌شود. مثلاً در روایتی رُسل و انبیا به صورت کلی تقسیم‌بندی شده‌اند و میان آنها تفاوتی ذکر نشده است. (صدوق، ۱۳۵۷: ۸ / ۱۱۵؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۱۷۵)

اما روایات دیگر به بیان تفاوت میان آنها پرداخته است. (همان: ۱۷۶)

- مطرح شدن مسئله تفاوت نبی و رسول در میان مفسران اهل سنت، با توجه به وجود آیاتی است که به

۱. آل عمران / ۷۹؛ انعام / ۸۹؛ جاثیه / ۱۶.

۲. احزاب / ۵۹؛ تحریم / ۱.

۳. مریم / ۵۴.

گوناگونی این دو مفهوم دلالت دارد؛ و آنان در بیان اختلاف این دو مفهوم، قرآن و لغت را مد نظر قرار داده‌اند. اگرچه ردپایی از آنچه در روایات شیعه در مورد مقایسه این دو مقام با یکدیگر بیان شده، در آرا برخی مانند فخررازی (رازی، ۱۴۲۰: ۲۳ / ۲۳۶) دیده می‌شود، اما ظاهراً چیزی از روایات مأثور در این مورد در میان اهل سنت وجود ندارد، اما شیعه دغدغه بحث در این مورد را نه تنها از آیات، بلکه از روایاتی گرفته است که از معصومان علیهم السلام در ارتباط با این دو مقام وارد شده است. این روایات مبنای اختلاف شوون نبوت و رسالت را چگونگی دریافت پیام الهی از عالم غیب قرار داده‌اند؛ در نتیجه مسئله انفکاک این دو مقام در میان شیعه مشهودتر است.

ادله برخورداری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از نبوت قبل از رسالت

پیش از این بیان شد که عده زیادی از علما قائل به نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش از بعثت هستند و البته دلایلی نیز به صورت مختصر بر این مدعا اقامه کرده‌اند. در این بخش تلاش بر این است که ادله و شواهدی، با تفصیل بیشتر بر این مدعا آورده شود. لازم به یادآوری است که با توجه به تعریفی که از نبوت ارائه شد، مقصود از اثبات نبوت برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اثبات ارتباط ایشان با عالم غیب و دریافت شیوه زندگی در دو بعد اعتقاد و عمل از این طریق است و این تعریفی حداقلی از نبوت بوده و ورود به جزئیات این ارتباط و مراتب نبوت، از عهده این بحث خارج است.

الف) امکان دارا بودن نبوت پیش از بعثت

در این بخش به ارائه نمونه‌هایی دال بر نبوت برخی از پیامبران پیش از بعثت می‌پردازیم:

۱. نخستین نمونه ابراهیم علیه السلام است که به گواهی روایت معصوم علیه السلام پیش از آنکه به رسالت برگزیده شود، دارای مقام نبوت بود.^۱
۲. دومین نمونه دارا بودن نبوت، آن هم در مهد، امری است که در مورد حضرت عیسی علیه السلام به وقوع پیوسته است. (مریم / ۳۰)^۲

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرمود: خدای تبارک و تعالی ابراهیم را بنده خود گرفت پیش از آنکه پیغمبرش نماید و او را به پیغمبری برگزید پیش از آنکه رسولش کند و رسول خود ساخت پیش از آنکه خلیلش گرداند و خلیلش گرفت پیش از آنکه امامش قرار دهد، پس چون همه این مقامات را برایش گرد آورد، فرمود: «همانا من تو را امام مردم قرار دادم» چون این مرتبت در چشم ابراهیم بزرگ جلوه نمود، عرض کرد: «از فرزندان من هم» خدا فرمود: «پیمان من به ستمکاران نرسد» شخص کم‌خرد امام شخص پرهیزکار نگردد. (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۱۷۵)

۲. از امام باقر علیه السلام پرسیدند که آیا عیسی بن مریم هنگامی که در گهواره سخن گفت، بر اهل زمان خود حجت بود، حضرت پاسخ داد، ایشان از آن زمان نبی و حجت بر مردم بوده، بدون آنکه رسول باشد. آیا آیه «فأشارتُ الیه قالوا کیف نکلم من کان فی المهد صبیاً» قال انی عبدالله ءاتانی الكتاب وجعلنی نبیاً (مریم / ۳۰ - ۲۹) را نشنیده‌ای؟ سائل پرسید پس در آن هنگام عیسی علیه السلام حجت خدا بر زکریا بود؟ حضرت فرمود: عیسی علیه السلام در آن حال نشانه‌ای برای مردم، و رحمت پروردگار

روایات یاد شده به عنوان مقدمه نخست، در کنار تصریح علامه مجلسی به وجود روایات زیادی مبنی بر وجود اثبات تمام معجزات و کرامات انبیای سلف برای پیامبر اکرم ﷺ (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۸ / ۲۷۹) به عنوان مقدمه دوم، این نتیجه را دربر دارد که ایشان نیز قبل از بعثت، دارای مقام نبوت بوده است. چگونه ممکن است پیامبر اکرم ﷺ که افضل موجودات عالم است، چهل سال ابتدای زندگی خود را مانند انسانی عادی گذرانده باشد؟ و برای تعیین تکلیف زندگی خود رابطه‌ای با عالم غیب نداشته باشد؟

ب) ادله روایی

روایات به این نکته دلالت دارند که پیامبر اکرم ﷺ از همان ابتدای تولد با عالم غیب در ارتباط بودند.

۱. در روایتی از علی رضی الله عنه در مورد اتفاقاتی که در هنگام تولد پیامبر اکرم ﷺ رخ داده، آمده است که پیامبر اکرم ﷺ هنگامی که متولد شد، دست راست خود را به سوی آسمان دراز کرد و کلمات توحیدی را بر زبان آورد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۵ / ۲۶۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۱ / ۲۲۳)

۲. علی رضی الله عنه فرمود: «از همان لحظه‌ای که پیامبر صلی الله علیه و آله را از شیر گرفتند، خداوند بزرگ‌ترین فرشته (جبرئیل) خود را مأمور تربیت پیامبر صلی الله علیه و آله کرد تا شب و روز، او را به راه‌های بزرگواری و راستی و اخلاق نیکو راهنمایی کند، و من همواره با پیامبر بودم، چونان فرزند که همواره با مادر است، پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز نشانه تازه‌ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می‌فرمود و به من فرمان می‌داد که به او اقتدا نمایم. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲)

۳. اصحاب امام باقر رضی الله عنه درباره آیه «جز پیامبری را که از او خشنود باشد، که [در این صورت] برای او از پیش‌رو و از پشت‌سرش نگاهبانانی بر خواهد گماشت»، (جن / ۲۷) از ایشان پرسیدند، امام باقر رضی الله عنه فرمود: خداوند بر پیامبرانش، ملکی را مأمور می‌کند که از اعمال ایشان مراقبت می‌کند و رسالت را به ایشان می‌رساند و بر محمد صلی الله علیه و آله نیز ملک اعظمی را قرار داد که او را به خیرات هدایت می‌کرد و از شر باز می‌داشت و او کسی بود که به ایشان می‌گفت: سلام بر تو ای رسول خدا! پیش از آنکه ایشان به رسالت رسیده باشد و محمد صلی الله علیه و آله گمان می‌کرد که از سنگ صدا می‌آید و نگاه می‌کرد، اما چیزی نمی‌دید. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۵ / ۳۶۲)

۴. امام کاظم رضی الله عنه از جدّ خود علی رضی الله عنه نقل می‌کند که همواره ابری بر سر محمد صلی الله علیه و آله بود تا هنگام وفات ایشان در سفر و حضر، تا آنجا که می‌فرماید حکم و فهم در کودکی به او داده شد و (برخلاف یحیی که در اینجا حضرت با او مقایسه می‌شود) ایشان در زمانی می‌زیست که طاغوت و پرستش‌بها حاکم بود. او در

برای مریم، در زمانی که سخن گفت؛ و نبی و حجت بر کسانی بود که کلام او را شنیدند. سپس ساکت شده و سخن نگفت تا آنکه دو سال گذشت و زکریا بعد از سکوت عیسی صلی الله علیه و آله، حجت بر مردم بود. پس زکریا به دار باقی شتافت و فرزند او یحیی وارث کتاب و حکمت شد، درحالی که پسر کوچکی بود. آیا آیه «یا یحیی خذ الكتاب بقوة ءاتیناه الحکم صبیاً» (مریم / ۱۲) را نشنیده‌ای؟ سپس زمانی که عیسی صلی الله علیه و آله هفت ساله شد، با نبوت و رسالت سخن گفت و از آن پس حجت خدا بر یحیی و بر همه مردم شد. (مجلسی ۱۴۰۴: ۱۸ / ۲۷۹)

چنین شرایطی، بتی را نپرستید و در هیچ‌یک از اعیاد اینان شرکت نکرد و دروغی از او شنیده نشد و او فردی امین بود و راستگو و حلیم، و او روزه را هفتگی به هم وصل می‌کرد یا کمتر یا بیشتر، و وقتی به این عمل او اعتراض می‌شد می‌فرمود: من مانند هیچ‌کدام شما نیستم، من زیر سایه [الطاف] پروردگارم بوده؛ مرا غذا داده و آب می‌نوشاند. و آن حضرت علیه السلام بی‌هیچ جرمی و فقط از سر خشیت خداوند، به قدری می‌گریست که محلّ سجده او خیس می‌شد. (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱ / ۲۲۳)

۵. در روایتی از صادقین علیهم السلام آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیست حج انجام داده که هفت یا ده تای آن پیش از نبوت بوده است. (کلینی، ۱۳۶۵: ۴ / ۴۴)، و در روایتی دیگر بیان شده که ایشان هفت طواف انجام می‌داد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۵ / ۳۶۳) و نماز می‌خواند درحالی که چهار سال پیش نداشت. (همان: ۳۶۱)

۶. امام حسن عسگری علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «پیامبر صلی الله علیه و آله پس از آنکه از کار تجارت دست کشیده و آنچه را خداوند از طریق تجارت روزی ایشان کرده بود می‌بخشید؛ هر روز به حرا می‌رفته و قلعه‌ها و آثار و شگفتی‌های رحمت و حکمت الهی را نظاره می‌کرده و از آن آثار، عبرت می‌گرفته و از آن نشانه‌ها متذکر (یاد خداوند) شده و خداوند را آن‌گونه که شایسته اوست عبادت می‌کرده است.» (امام حسن عسگری علیه السلام، ۱۴۰۹: ۱۵۷)

نکته تأمل‌برانگیز این روایت آن است که امام علیه السلام می‌فرماید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن دوران خداوند را عبادت می‌کرده آن هم به بهترین کیفیت (حق عبادت). عبادتی می‌تواند تمام و کمال، حق ربوبیت خداوند را ادا کند که مطابق خواست مولا، یعنی دستورات و فرامین خاص او باشد و این مؤیدی است بر اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطابق شریعت عمل می‌کردند.

مهم‌ترین و صریح‌ترین دلیل بر رابطه حضرت صلی الله علیه و آله با عالم غیب، رابطه حضرت با ملک و باز شناساندن راه خیر و شر توسط ملک به او بوده است. تصریح روایات در نسبت دادن اعمال عبادی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان مقدمه نخست و هدایت ایشان از سوی ملک به عنوان مقدمه دوم، این نتیجه را دربردارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش از بعثت دارای شریعت بوده و این شریعت را خود، از طریق ملک دریافت می‌کرده است. مطلب جالب توجه دیگری که می‌توان آن را از روایت برداشت کرد سخن امام علی علیه السلام در مورد برگزیدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دوران پیش از بعثت به عنوان مقتداست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فقط در صورتی مقتدا بودن کسانی مانند علی علیه السلام را به خود می‌پذیرد که از شأن هدایتگری خود در همان دوران آگاه باشد.^۱

۱. ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا هر رابطه با ملکی می‌تواند نبوت نامیده شود، چنانکه ساره همسر ابراهیم علیه السلام و مریم علیه السلام نیز مطابق آیات ملائکه را دیده یا با آنها در ارتباط بودند؟ (هود / ۷۱؛ آل عمران / ۴۲) استاد سبحانی معتقد است که در جایی رابطه با ملک، نبوت را ایجاد می‌کند که آن فرشته جبرئیل باشد. (سبحانی، ۱۴۱۲: ۱ / ۳۶۲) اما علامه طباطبایی ملکی را که بر مریم وارد شده را جبرئیل می‌دانند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴ / ۳۶) شاید برای حل این مسئله توجه به چگونگی ارتباط ملک، با هر یک از این افراد راه‌گشا باشد. در مورد رابطه ملک با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو خصوصیت وجود داشته است:

ج) شواهد تاریخی

در نقل‌های تاریخی نیز شواهدی وجود دارد که آنچه را درباره رابطه پیامبر اکرم ﷺ با عالم غیب و برخورداری از مقام نبوت در دوران پیش از بعثت آمده، تأیید می‌کند. البته شواهد تاریخی مؤید بحث بوده و دلالت مستقیم بر مدعای مقاله ندارد.

یک. ارائه اعتقادات توحیدی در کودکی

پیامبر اکرم ﷺ از همان اوان طفولیت، مجسمه توحید و برائت از شرک بود. نمونه‌هایی از این منش را در برخی حوادث بیان می‌کنیم.

- روایتی از حلیمه، دایه پیامبر اکرم ﷺ نقل شده که وقتی او می‌خواست پیامبر اکرم ﷺ را به همراه برادران رضاعیش به صحرا بفرستد، حرزی را به گردن او آویخت تا از او در برابر خطرات محافظت کند، اما این کودک سه ساله وقتی از قصد او آگاه می‌شود، آن را از گردن خود درآورده و می‌گوید همراه من کسی است که مرا محافظت می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۵ / ۳۹۲)

این روایت اوج معرفت توحیدی این کودک سه ساله را به نمایش می‌گذارد. اگر آموخته‌های او تقلیدی از جد بزرگوارش عبدالمطلب بود، در برابر این عمل حلیمه در تعلیمات تقلیدی او تزلزل وارد می‌شد. اما او رفتاری را ارائه کرد که جز از درک حضور خداوند، در اوان طفولیت حکایت نمی‌کرد. می‌توان گفت او در همان سن، آموزگار دایه خویش شد.

- در داستان برخورد پیامبر اکرم ﷺ با بحیرای راهب، بحیرا، محمد ﷺ خردسال را به لات و عزى^۱ قسم می‌دهد تا پاسخ او را بگوید. اما حضرت ﷺ به او می‌گوید: «هیچ چیز نزد من منفورتر از این دو نیست.» (بیهقی، ۱۴۰۵: ۲ / ۲۹)

دو. مکارم اخلاقی

- برخی روایات تاریخی، مکارم اخلاقی را همچون حیا و ادب برای این کودک الهی نقل می‌کنند. ابن عباس می‌گوید: «چون چاشت برای اطفال می‌آوردند آنها غذا را از یکدیگر می‌ربودند، ولی آن حضرت دست دراز نمی‌کرد.» (ابن کثیر، بی تا: ۲۸۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱ / ۳۴)

همچنین مطابق نقل ابوطالب، محمد ﷺ خردسال حیا را چنان در شخصیت خود متجلی می‌کند که عموی بزرگوار خود را نیز به تعجب وا می‌دارد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۵ / ۳۵۵)

- رابطه پیامبر ﷺ با فرشته رابطه مستمر بوده است؛

- ملک به قصد تربیت از همان طفولیت، حضرت را همراهی می‌کرده و مطابق شواهد موجود بر انجام اعمال عبادی توسط حضرت ﷺ در دوران پیش از بعثت، احتمالاً تعلیمات او شامل شریعت بوده است.

- مطابق نقلی دیگر از ابوطالب، پیامبر اکرم ﷺ هنگام شروع غذا می‌فرمود «بسم الله الحمد» و هنگام پایان غذا می‌فرمود «الحمد لله کثیرا»؛ سپس صفات دیگری را برای پیامبر اکرم ﷺ برشمرده، می‌گوید: من هیچ‌گاه از محمد ﷺ دروغی نشنیدم و عملی مطابق اعمال دوران جاهلیت ندیدم. ایشان جز در جایی که حقیقتاً موضع خنده بود، نمی‌خندید و با کودکان دیگر به بازی نمی‌پرداخت و به آنها توجهی نداشت، بلکه تنهایی برای او دوست‌داشتنی‌تر می‌نمود. (همان: ۱۵ / ۳۳۶)

- برخی سیره‌نویسان و محدثان خطبه ازدواجی را که ابوطالب برای پیامبر اکرم ﷺ و خدیجه خواند در کتاب خود نقل کرده‌اند؛ در این خطبه، ابوطالب پس از آنکه به نسب افتخارآمیز خاندان خود، یعنی ابراهیم ﷺ و اسماعیل ﷺ اشاره می‌کند، به معرفی حضرت محمد ﷺ به‌عنوان بزرگ‌ترین مرد قریش می‌پردازد و می‌گوید که مردی از قریش با ایشان قابل مقایسه نیست و شخصیت ایشان از همه والاتر و عظیم‌تر است. (کلینی، ۱۳۶۵: ۵ / ۳۷۵) اگر پیامبر اکرم ﷺ در آن زمان در نگاه مردم دارای صفات منحصر به فرد و مکارم اخلاقی نبود، به سخنان ابوطالب اعتراض می‌شد؛

- از دیگر خصوصیات پیامبر اکرم ﷺ شهرت ایشان به امانت‌داری بود؛ چنان‌که او را محمد امین لقب داده بودند و اوج تجلی این صفت در جریان نصب حجرالاسود بود که به توافق قریش به‌دست ایشان انجام شد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۵ / ۳۳۸)

- شرکت در پیمان حلف‌الفضول نیز نشانه دیگری از شخصیت بارز پیامبر اکرم ﷺ است. ایشان در این پیمان که برای ستاندن حق مظلومان بسته شده بود، شرکت کرده و خود را حتی پس از اسلام نیز پایبند به آن می‌دانست. (ابن کثیر، بی‌تا: ۲ / ۲۵۱؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۲ / ۲۷۰)

- حلبی در بیان شعری، ایشان را این‌گونه توصیف می‌کند: رسول خدا ﷺ در دوران کودکی با اعمال و وظیفه‌ای، و عبادت و خلوت انس و الفت داشت و چنین است شأن نجبا. و هنگامی که عبادت در قلبی حلول کرد، اعضا انسان در عبادت نشاط پیدا می‌کنند. (حلبی، بی‌تا: ۱ / ۲۷۱)

این شواهد تاریخی از دو امر مهم در مورد پیامبر اکرم ﷺ حکایت می‌کرد: نخست آنکه ایشان از دوران طفولیت موحد بوده؛ دوم آنکه مکارم اخلاقی در ایشان به اتم معنا تجلی کرده، چنان‌که ایشان را به چهره‌ای برجسته و شاخص، در میان مردمان بدل کرده بود.

نکته دیگر آنکه «آن روز که پیامبر ﷺ عشیره خود را برای اظهار رسالت الهی خود جمع کرد و رسالت خود را به آنان عرضه نمود، هیچ‌یک از آنان زبان اعتراض با نظر به سابقه طفولیت و جوانی آن بزرگوار نگشود، با اینکه ادعایی که آن حضرت مطرح فرموده بود، همه موجودیت آنان را دگرگون می‌کرد. اموالشان را تعدیل و عقایدشان را تکذیب و جاه و مقام اجتماعی آنان را از بین می‌برد. همچنین در طول رسالت آن حضرت، تا آخرین لحظات زندگی مبارکش که همه شئون و حیثیت‌های آن جامعه را زیرورو ساخته بود،

نتوانستند کمترین حادثه خلاف اخلاق انسانی از آن بزرگوار به رخ بکشند و خود را راحت کنند. آن روح و روانی که در سالیان اولیه و دوران جوانی زندگی بتواند از محسوسات و ظواهر طبیعت نفوذ کرده و خلوت با خویشتن را برگزیده باشند، قطعاً از رشد و کمال فوق‌العاده‌ای برخوردار است.» (جعفریان، ۱۳۷۸: ۱۸ / ۲۰۹)

نتیجه

در این پژوهش با بررسی دو مؤلفه تفاوت نبوت و رسالت و نقل‌ها و روایات موجود در مورد زندگانی پیامبر اکرم ﷺ پیش از بعثت، همچنین بررسی آراء موجود درباره شریعت پیامبر اکرم ﷺ، سعی شد تصویر روشن‌تری از وضعیت اعتقادی و عملی ایشان در این دوران ارائه شود. کاوش در دو اصطلاح نبوت و رسالت نشان داد که جوهره معنای نبوت، ارتباط با عالم غیب بوده و نبوت پایه رسالت است. پس با توجه به اثبات اینکه پیامبر اکرم ﷺ پیش از بعثت، پیرو هیچ‌یک از ادیان گذشته نبوده، از طریق روایات معصومان علیهم‌السلام که گویای این است که پیامبر اکرم ﷺ از ابتدای زندگی خود، تحت تربیت ملک اعظم خداوند بوده است و همچنین گزارش‌های تاریخی که برخورداری ایشان از اعتقادات توحیدی، مکارم اخلاقی و عبادات در دوران پیش از بعثت را نشان می‌دهد، رابطه ایشان با علم غیب و هدایت از این طریق در این دوران برای حضرت ﷺ اثبات شده، و این همان شأنی است که از آن به «نبوت» تعبیر می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، قم، دار القرآن الکریم.
۲. نهج البلاغه، ۱۴۱۴، ق، مؤلف محمد بن الحسین الشریف الرضی، قم، هجرت.
۳. آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵، ق، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ۱۴۱۵، ق، الإصابة فی تمییز الصحابة، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹، المناقب، قم، مؤسسه انتشارات علامه.
۶. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل، بی تا، البدایة و النهایة، بیروت، دار الفکر.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، ق، لسان العرب، بیروت، دار الصادر.
۸. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک، بی تا، سیرة النبویه، بیروت، دار المعرفه.
۹. امام حسن عسگری علیه‌السلام، ۱۴۰۹، ق، تفسیر امام حسن عسگری علیه‌السلام، قم، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه‌السلام.
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۰۱، ق، صحیح، استانبول، دار الطباعة العامره.

۱۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۲. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، ۱۴۰۵ ق، *دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۱۳. جعفریان، رسول، ۱۳۷۸، *نقد و بررسی منابع نبوی*، تهران، سمت.
۱۴. حلبی، علی بن برهان‌الدین، بی تا. *السیرة الحلبیة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، الدار الشامیة.
۱۶. رخشاد، محمد حسین، ۱۳۸۹، *در محضر علامه طباطبایی*، قم، نهاوندی.
۱۷. زرگری نژاد، غلامحسین، ۱۳۸۴، *عصر نبوت*، تهران، سمت.
۱۸. زمخشری، محمود، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دار الکتب العربی.
۱۹. سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۴۱۲ ق، *مفاهیم القرآن*، بیروت، دارالاضواء.
۲۰. _____، بی تا، *منشور جاوید*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. شریعتی، محمدتقی، ۱۳۴۹، *وحی و نبوت در پرتو قرآن*، تهران، حسینیه ارشاد.
۲۲. شعرانی، ابوالحسن، ۱۳۵۹، *راه سعادت اثبات نبوت خاتم الأنبیاء و حقانیت دین اسلام*، تهران، کتابفروشی صدوق.
۲۳. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۵۷، *التوحید*، قم، جامعه مدرسین.
۲۴. _____، ۱۴۰۵ ق، *من لا یحضره الفقیه*، بیروت، دار الضواء.
۲۵. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۲۶. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، *الاحتجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن بن فضل، ۱۳۹۰ ق، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران، اسلامیه.
۲۸. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ق، *الامالی*، قم، انتشارات دار الثقافة.
۳۰. عاملی، جعفر مرتضی، ۱۴۱۵ ق، *الصحيح من سیرة النبی الأعظم*، بیروت، دار الهادی - دار السیرة.
۳۱. عسقلانی، احمد بن علی، ۱۴۱۵ ق، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، بیروت، دار الکتب الاسلامیة.
۳۲. علم الهدی، سید مرتضی، علی بن الحسین، بی تا، *الذریعة*، تحقیق ابوالقاسم گرجی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۳. فتال نیشابوری، محمد، بی تا، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، تحقیق محمد مهدی سید حسن الخرسان، قم، منشورات الرضی.

۳۴. رازی، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر، ۱۴۱۲ ق، *المحصول فی علم الاصول*، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۳۵. _____، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *العین*، قم، هجرت.
۳۷. قدردان قراملکی، محمدحسن، ۱۳۸۷، *آیین خاتم*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۸. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۹. قمی، میرزا ابوالقاسم، ۱۳۷۸ ق، *قوانین الاصول*، تهران، مکتبه العلمیة الاسلامیة.
۴۰. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۴۱. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، *بحار الأنوار*، لبنان، مؤسسة الوفاء.
۴۲. مراغی، احمد بن مصطفی، بی تا، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۳. مسعودی، علی بن الحسین، ۱۴۰۹ ق، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، قم، دار الهجرة.
۴۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۴ ق، *اوائیل المقالات*، بیروت، دار المفید للطباعة و النشر و التوزیع.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۴۶. یوسفیان، حسن و احمد حسین شریفی، ۱۳۸۸، *پژوهشی در عصمت معصومان علیهم السلام*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ اسلامی.

مقالات

۴۷. تنها، محسن، تابستان ۱۳۸۹، «دیدگاه‌های مسئله دین پیامبر پیش از بعثت»، *معارف عقلی*، ش ۱، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ص ۷۴ - ۴۱.

